

مقدمه دوم: آیا بحث از حرمت ضد، یک بحث اصولی است؟

مرحوم نائینی می نویسد:

«لا إشكال فی انّ المسألة من مسائل الأصول، و لیست من المبادئ الأحكامیّة، و ان كان فیها جهتها، إلّا انّ مجرد ذلك لا یکفی فی عدّها من المبادئ بعد ما كان نتیجتها تقع فی طریق الاستنباط، علی ما تکرّر منّا فی ضابط المسألة الأصولیّة.»^۱

توضیح:

۱. بی تردید بحث از حرمت ضد، از زمره مسائل علم اصول است و از مبادئ احکامی علم اصول نیست.
 ۲. البته در بحث از حرمت ضد، می توان جهت بحث از مبادئ احکامیه را هم یافت ولی صرف وجود جهت باعث نمی شود که یک بحث از زمره مبادئ شمرده شود در حالیکه می توان معیار مسئله اصولی را در آن یافت (معیار اصولی آن است که می توان آن را در طریق استنباط قرار دارد).
- ما می گوئیم:

۱. درباره تعریف مبادئ احکامیه در ابتدای بحث از مقدمه واجب به طور مفصل سخن گفتیم.
- در آنجا اشاره کردیم که مرحوم اصفهانی اصلاً منکر چیزی به عنوان مبادئ احکامیه است و می نویسد:
- «لکل علم مسائل و مبادئ و موضوع.

أمّا مسائله فهی قضایاه المتشکّلة المشتركة فی غرض خاص.

و أمّا مبادئه فهی تصویریّة و تصدیقیّة، فمبادئه التصوریّة راجعة إلى حدودات تلك القضايا بأطرافها، و مبادئه التصدیقیّة هی ما یتوقف علیه التصدیق بثبوت محمولات تلك القضايا لموضوعاتها.

و تعارف فی علم الأصول تدوین المبادئ اللغویة و المبادئ الأحکامیة.

فریما یتخیل انهما قسما آخران من المبادئ یختص بهما علم الأصول. و لیس كذلك، بل المبادئ

التصوریّة تارة لغویة و أخرى أحکامیّة، و کذا المبادئ التصدیقیّة.»^۱

۱. نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول ج ۱، ص ۳۰۱.



اما در مقابل مرحوم بروجردی به چنین امری قائل است و بحث مقدمه واجب و بحث ضد را از زمره مبادی احکامیه بر می شمارد. ایشان مبادی احکامیه را چنین تعریف می کند:

«فتلخص أنّ كلّما يتشكّل منه قضية يكون محمولها عنوان الحجّة في الفقه و موضوعها الجهات المائزة بين المسائل يكون من المسائل الأصوليّة حتما و ما لم يكن كذلك من المباحث المذكورة في أبواب الأصول فلا يخلو إمّا ان يكون من المبادئ اللّغويّة كمباحث الوضع و الحقيقة و المجاز و المشتقّ و نظائرها و إمّا أن يكون من المبادئ الأحكاميّة كمباحث مقدّمة الواجب و اجتماع الأمر و النّهي و نظائرها»^۲

۲. در همان جا (درسنامه سال هفتم ص ۷) گفتیم و نتیجه گرفتیم:

مبادی احکامیه آن دسته از مبادی تصویری و تصدیقی هستند که درباره تعریف احکام بحث می کند، پس مبادی احکامیه چیزی غیر از مبادی تصدیقیه و تصویری نیست ولی طبق یک اصطلاح، برخی از مبادی تصدیقیه و تصویری را - اگر پیرامون احکام باشد - مبادی احکامیه می نامند. *

۳. این سخن مطابق با فرمایش مرحوم اصفهانی بود و با سخن مرحوم نائینی در بحث اجتماع امر و نهی هم سازگار است:

«المبادئ الأحكاميّة التي هي عبارة عمّا يتوقّف عليه معرفة الأحكام الشرعيّة المستنبطة، ككون الحكم تكليفيّاً أو وضعيّاً، و أنّ الحكم الوضعيّ قابل للجعل أو غير قابل»^۳

۴. اما ممکن است بتوان از وجود مبادی احکامیه دفاع کرد و گفت از منظر مرحوم بروجردی علم اصول یک مبادی تصویری و مبادی تصدیقیه دارد و یک مسائل دارد که موضوع [یا محمول] در آنها «حجت در فقه» است و یک مبادی احکامیه دارد، که آنها و ملازمات و معاندات حکم شرعی است. ایشان می نویسد:

۱. اصفهانی، محمد حسین، بحوث فی الأصول، ج ۱، ص ۱۷.

۲. بروجردی، حسین، الحجّة فی الفقه، ص ۱۹.

۳. نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، ج ۲، ص ۴۰۰.



«إنه كان للقدماء مباحث يبحث فيها عن معاندات الأحكام. و ملازماتها يسمونها بالمبادئ

الأحكامية، و منها هذه المسألة.»^۱

البته جای این سوال باقی است که چرا به ملازمات «مبادئ» گفته می شود.

ان قلت: مبادئ بودن این لوازم به آن جهت است که:

«و قد يتوقف معرفة بعض الأقسام على معرفة بعض لوازمه و أحكامه، فلذا قد يقع البحث فيها عن

لوازم بعض تلك الأقسام و أحكامه نظرا إلى توضيح الحال في الملزوم.»^۲

قلت: در این صورت، بحث از این لوازم از مبادئ تصویری به حساب خواهند آمد چراکه فهم معنای

موضوعات و محمولات علم اصول، وابسته به این بحث هاست.

توجه کنیم که مرحوم میرزای رشتی اصطلاح دیگری هم برای مبادئ احکامیه به کار برده است که بحث

ضد نمی تواند از زمره آن باشد ایشان رؤوس ثمانیه (هدف علم، تعریف علم، شرافت علم و...) را همان

مبادئ احکامیه بر شمرده است.^۳

۱. بروجردی، حسین، نهاية الأصول، ص ۱۵۴.

۲. شیرازی، میرزا محمد حسن بن محمود، تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی، ج ۲، ص ۲۱۳.

۳. بدایع الافکار، ص ۳۶۱.

